خبر

کنگره درصدد جلوگیری خروج آمریکا از ناتو

سنگ‌اندازی دوباره دموکرات‌ها

● مجلس نمایندگان آمریکا به اتفاق آرا به جلوگیری از اجرائی‌شدن تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به خروج از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) رأی داد. سنا هم باید مسیر مشابهی را در پیش بگیرد، چراکه این ایده که ایالات متحده می‌تواند از ناتو خارج شود فراواقع‌گرایی است. به گزارش ایسنا، در سرمقاله روزنامه نیویورک‌تایمز با اشاره به رابطه ایالات متحده آمریکا و ناتو آمده است: ائتلاف ناتو که اکنون ۲۹ کشور عضو آن هستند، در هفت دهه گذشته شالوده ثبات و سعادت دو سوی اقیانوس اطلس بوده است. ناتو همچنان روسیه را در تنگنا قرار داده و این خطر را که سربازان آمریکایی ممکن است بار دیگر در خاک اروپایی مبارزه کنند، از میان برد.نیویورک‌تایمز می‌نویسد: حال در ریاست‌جمهوری یکه‌تاز دونالد ترامپ، احتمال خروج آمریکا چنان نگرانی‌ای ایجاد کرده که کنگره گام‌هایی برای متوقف‌کردن آن برداشته است. مجلس نمایندگان آمریکا تحت رهبری دموکرات‌ها در ۲۲ ژانویه به یک لایحه دوحزبی ۳۵۷ رأی موافق و ۲۲ رأی مخالف داد که عملا دست‌وپای ترامپ را می‌بندد؛ طبق آن ترامپ اجازه ندارد با پول دولت فدرال هزینه‌های هرگونه خروج احتمالی از ناتو را پرداخت کند. در این مطلب تأکید می‌شود سنای تحت کنترل جمهوری‌خواهان باید فورا وارد عمل شود. نیویورک‌تایمز پیشنهاد می‌دهد سناتورها یا لایحه مجلس نمایندگان آمریکا را تأیید کنند یا یک لایحه جداگانه به تصویب برسانند که بر اساس آن دونالد ترامپ برای «تعلیق، خاتمه یا خروج» از ناتو نیازمند دوسوم رأی سنا باشد و چنانچه رئیس‌جمهوری آمریکا از رأی سنا برای حفظ عضویت ناتو پیروی نکرد، لایحه مذکور اجازه نمی‌دهد از ذخایر فدرال برای تأمین هزینه خروج استفاده شود. در ادامه این مطلب آمده است واضح است که ترک ناتو یک افتضاح سیاست خارجی، اصطکاک نفوذ آمریکا در اروپا و تقویت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، خواهد بود که خواستار یک ناتوی ضعیف‌شده است تا بتواند دستورکار سیاسی و نظامی خود را پیش ببرد. بااین‌حال میچ مک‌کانل، رهبر اکثریت سنا، قصد ندارد در صورت اقدام ترامپ برای عملی‌کردن تهدیدات مکرر خود، بخواهد حرکتی در توقف آن انجام دهد.

سوریه به ترکیه هشدار داد:

تفاهم‌نامه «آدانا» نقض نشود

● دولت سوریه حضور نظامی ترکیه در شمال این کشور را محکوم کرده و آن را ناقض تفاهم‌نامه آدانا خوانده است. به گزارش بی‌بی‌سی، امضای تفاهم‌نامه آدانا در سال ۱۹۹۸ به سال‌ها دشمنی و خصومت میان ترکیه و سوریه پایان داد. بر اساس این تفاهم‌نامه، سوریه نیروهای حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) را از خاکش بیرون کرد.رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، می‌گوید کشورش بر مبنای این تفاهم‌نامه حق حضور نظامی در خاک سوریه را دارد. ترکیه و گروه‌های مورد حمایت این کشور در شمال سوریه حضور دارند. ترکیه بارها تهدید کرده به دلیل حضور نیروهای کُرد در این منطقه حق دخالت نظامی را برای خود قائل است، اما وزارت امور خارجه سوریه، ترکیه را متهم کرده که در طول جنگ هشت‌ساله، بارها این تفاهم‌نامه را نقض کرده است.یک مقام وزارت امور خارجه سوریه به خبرگزاری دولتی سانا گفت: ترکیه از سال ۲۰۱۱ به این‌سو بارها این تفاهم‌نامه را زیر پا گذاشته است. سوریه می‌گوید ترکیه با «اشغال خاک سوریه از طریق یک سازمان تروریستی مرتبط با این کشور» یا به طور مستقیم از طریق نیروهای نظامی خود، تفاهم‌نامه موجود را نقض کرده است.ترکیه خواهان ایجاد «منطقه‌ای امن» در شمال سوریه است. اردوغان می‌گوید که چنین منطقه‌ای «تا چند ماه آینده» ایجاد خواهد شد. ترکیه همچنین مخالف حضور نیروهای کرد در منطقه است و این نیروها را بخشی از حزب کارگران کردستان می‌داند که در ترکیه غیرقانونی است، اما نیروهای یگان‌های مدافع خلق، مهم‌ترین نیروی کرد در شمال سوریه، چنین ارتباطی را رد می‌کنند. نیروهای یگان‌های مدافع خلق (ی‌پ‌گ) نقش مهمی در شکست‌دادن نیروهای گروه موسوم به داعش در سوریه داشتند، اما ترکیه حضور آنها در این منطقه را خلاف منافع خود می‌داند. ترکیه می‌گوید که تفاهم‌نامه آدانا به این کشور مجوز دخالت در سوریه برای مقابله با پ‌ک‌ک و گروه‌های وابسته را می‌دهد و مدعی است دولت سوریه در مقابله با این گروه‌ها ناکام مانده است. از سوی دیگر، نمایندگان کشورهای اروپایی و آمریکا در گروه بین‌المللی حل بحران سوریه که به کارگروه کوچک نیز شناخته می‌شود، در پیامی که برای اعضای این گروه فرستادند، آشکارا و بدون هیچ تردیدی تأکید کردند عادی‌سازی روابط با سوریه به معنای ازسرگیری روابط دیپلماتیک با دمشق در مرحله کنونی کاملا مردود است و پیش از دستیابی به راه‌حلی جامع برای بحران سوریه طبق قطع‌نامه ۲۲۵۴ این امر محقق نخواهد شد.

چرا پوتین، اردوغان و جینپینگ از دولت مادورو حمایت می‌کنند

مادورو دلگرم به تزار روس و سلطان عثمانی

این هفته و پس از اعلام ریاست‌جمهوری خودخوانده خوان گوایدو، رئیس پارلمان ونزوئلا، جهان به دو نیمه تقسیم شد. گرچه بسیاری از کشورهای غربی و همسایه‌های ونزوئلا در آمریکای‌لاتین از گوایدوی جوان حمایت کردند، اما همچنان چندین کشور تأثیرگذار پشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا، ایستادند تا شرایط برای تحقق هدف گوایدو و آمریکا در این کشور نفت‌خیز آمریکای‌لاتین دشوارتر شود. روسیه، چین و ترکیه سه کشور هم‌پیمان مادورو بودند که در این بحران در کنار مادورو ایستادند؛ هر یک البته به دلایل خاص خود. نیکلاس مادورو که در بحبوحه بحران اقتصادی این کشور و تحریم‌های فرساینده آمریکا از سوی بسیاری از کشورها طرد شده بود، مرتبا میهمان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه و شی جینپینگ، رئیس‌جمهوری چین، بود و هربار با دستی پر و با وام‌های ارزشمند به کشور خود بازمی‌گشت. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، هم دسامبر سال گذشته به کاراکاس سفر کرد و به اولین رئیس‌جمهوری ترکیه بدل شد که به طور رسمی به ونزوئلا سفر کرده است. درواقع آنکارا نیز مثل روسیه و چین منافع اقتصادی بی‌شماری در ونزوئلا دارد.

در یک دهه منتهی به سال ۲۰۱۶، چین تقریبا ۶۲ میلیارد دلار به ونزوئلا وام داد که کاراکاس توانست بخش زیادی از این وام‌ها را از طریق نفت بازپرداخت کند. مسکو نیز در چندسال گذشته حدود ۱۷ میلیارد دلار در ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده و به این کشور وام داده است. در ماه دسامبر هم دو کشور توافق جدید امضا کردند که بر اساس آن روسیه سرمایه‌گذاری‌ای به ارزش شش میلیارد دلار در بخش نفت و طلای ونزوئلا خواهد داشت. به‌این‌ترتیب چین و روسیه دو وام‌دهنده اصلی ونزوئلا هستند و دو نیروی اقتصادی که در بحران به داد مادورو رسیدند و دولت او را از ورشکسته به بدهکار تبدیل کردند. بااین‌همه این دو کشور رویکرد متفاوتی در روابط تجاری خود با این کشور آمریکای‌لاتین دارند. رویکرد چین بیشتر عمل‌گرایانه است، اما روسیه نگاهی ایدئولوژیک به این رابطه دارد.

تفاوت دیدگاه روسیه و چین در ونزوئلا

پکن در ازای سرمایه‌گذاری خود خواستار دریافت مواد اولیه و نفت ارزان است. درواقع چین تا حدودی از این مسئله ناراضی است که با وجود سرمایه‌گذاری و وام‌های کلان پکن در بخش نفت و انرژی ونزوئلا، تولید نفت این کشور رو به کاهش است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین وام‌دهنده به دولت کنونی ونزوئلا نگران است که با برکناری دولت مادورو بدهی‌های دولتی این کشور به دوش پکن بیفتد. منافع پکن در حمایت از مادورو است، چراکه دولت جدید ممکن است از بازپرداخت بدهی‌ها سر باز بزند و به تعهدات پیشین عمل نکند. در این میان یکی از نکات اثبات‌کننده عمل‌گرابودن چین در رابطه با ونزوئلا، دیدار مقامات چین با مخالفان ونزوئلا بود. بر اساس برخی گزارش‌ها، در سال ۲۰۱۷، هیئتی از مخالفان ونزوئلا به دولت چین تضمین دادند که برخی از توافق‌های صورت‌گرفته میان چین و دولت مادورو، پس از برکناری مادورو هم ادامه خواهد داشت. بااین‌حال مشخص نیست که آیا این شرایط برای روسیه هم مطرح شده است یا نه.روسیه درعوض بیشتر به‌دنبال گسترش حضور نظامی خود در ونزوئلاست تا از این طریق در منطقه آمریکای‌لاتین نفوذ کند. بحث حضور نظامی روسیه در ونزوئلا برای اولین‌بار در سال ۲۰۱۶ مطرح شد و انتقاد ایالات متحده را به دنبال داشت. اواخر سال گذشته میلادی هم روسیه دو بمب‌افکن مدرن و قادر به حمل سلاح اتمی را به کاراکاس فرستاد. برای روسیه، سرمایه‌گذاری و حضور نظامی در ونزوئلا همیشه برای نمایش قدرت در همسایگی آمریکا بوده است. ونزوئلا سه میلیارد دلار به مسکو به‌خاطر خریدهای نظامی‌اش بدهکار است.به باور برخی تحلیلگران، روسیه به‌دنبال تلافی‌کردن حضور نظامی آمریکا و ناتو در کشورهای حوزه نفوذ روسیه، از جمله کشورهای اروپای‌شرقی و به‌ویژه اوکراین است. بااین‌حال منافع اقتصادی مسکو هم از این اتحاد کم نیست. شرکت نفت و گاز روسی «روس‌نفت» در پنج پروژه شرکت نفت و گاز دولتی ونزوئلا شریک است و سهمی ۲۶ تا ۴۰ درصدی در این طرح‌ها دارد. تغییر نظم سیاسی در ونزوئلا به مثابه ازدست‌دادن این شراکت و تحمیل زیان‌هایی به روسیه است. اگر مادورو سقوط کند، بعید است دولت جدید بگذارد سرمایه‌گذاران خارجی بدون طی فرایند قانونی و مزایده‌های رسمی، امکان حضور در این کشور را بیابند. شاید ازهمین‌رو در هفته گذشته، بسیاری در بورس مسکو برای خلاص‌شدن از شر سهام روس‌نفت صف بسته بودند. طبق اعلام روس‌نفت، این کمپانی در سال ۲۰۱۷ بالغ بر شش میلیارد دلار به ونزوئلا وام پرداخته است و این وام بر اساس توافق طرفین، با شراکت در پروژه‌های نفتی ونزوئلا تسویه خواهد شد. از نظر بدهی‌ها، سقوط دولت ونزوئلا دست‌کم ۱۱ میلیارد دلار ضرر روی دست مسکو خواهد گذاشت، اما چنانچه دولت جدید ونزوئلا تولید نفت را به نحوی بارز افزایش دهد، قیمت نفت در بازار جهانی سقوطی جدی خواهد کرد و در این صورت، زیان روسیه با هیچ مبلغ دیگری قابل قیاس نخواهد بود.

> **ترکیه از نزدیکی خود با دولت نیکلاس مادورو در ونزوئلا به‌عنوان اهرم فشاری علیه دولت ایالات متحده استفاده می‌کند، اما حالا و با توجه به اینکه با بالاگرفتن بحران اقتصادی، مشروعیت مادورو زیر سؤال رفته و مخالفان در حال قدرت‌گرفتن هستند به نظر می‌رسد اردوغان چندان نمی‌تواند به این اهرم فشار تکیه کند**

منافع ترکیه در ونزوئلا

ترکیه هم یکی از کشورهایی بود که بلافاصله بعد از سخنرانی خوان گوایدو و ادعای ریاست‌جمهوری او با نیکلاس مادورو تماس گرفت و حمایت خود را از او اعلام کرد. بی‌شک دلایلی اقتصادی و سیاسی در کار است. روابط اقتصادی و سیاسی آنکارا و کاراکاس قوی‌تر شده و اردوغان نیز در سفر ماه گذشته خود بدون اشاره مستقیم به آمریکا و دونالد ترامپ، از تحریم‌ها علیه ونزوئلا انتقاد کرد. بر اساس گزارش‌ها، چندین تن طلای ونزوئلا که تحت شرایط وحشتناکی زیر نظر ارتش این کشور استخراج می‌شود، با کشتی به ترکیه فرستاده می‌شود تا در آنجا پردازش شوند.بر اساس گزارش‌های ترکیه‌ای، ونزوئلا در ۹ ماهه نخست سال ۲۰۱۸، بیش از ۲۳ تن طلا به ارزش ۹۰۰ میلیون دلار به ترکیه فرستاده است. گرچه دولت آمریکا در ماه نوامبر سال گذشته بخش طلای ونزوئلا را تحریم کرد، اما مادورو و اردوغان در ادامه این تجارت مصمم بودند. آن‌طور که اردوغان در سفر ماه دسامبر خود به ونزوئلا اعلام کرد، بین دو کشور در سال ۲۰۱۷، ۱۵۴ میلیون دلار تجارت انجام گرفت و در ۹ ماهه نخست سال ۲۰۱۸ نیز رقم این روابط به یک میلیارد دلار رسید. گرچه ونزوئلا با مشکلات سیاسی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما دارای یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان است و ازهمین‌رو بازار جذاب، اما خطرناکی برای ترکیه به‌شمار می‌رود. ونزوئلا با منابع وسیع نفت، گاز، طلا، الماس و زغال‌سنگ، مشوق اقتصادی بی‌نظیری برای متحدانش به شمار می‌رود.

برخی ناظران بر این باورند که ترکیه از نزدیکی خود با دولت نیکلاس مادورو در ونزوئلا به‌عنوان اهرم فشاری علیه دولت ایالات متحده استفاده می‌کند، اما حالا و با توجه به اینکه با بالاگرفتن بحران اقتصادی، مشروعیت مادورو زیر سؤال رفته و مخالفان در حال قدرت‌گرفتن هستند، به نظر می‌رسد اردوغان چندان نمی‌تواند به این اهرم فشار تکیه کند. نزدیکی با روسیه به نظر اقدام مؤثرتر و قابل‌اتکاتری برای تحت فشار قراردادن دولت دونالد ترامپ است. این نزدیکی میان آنکارا و مسکو، می‌تواند تا حدودی ترکیه را به خواست خود در سوریه؛ یعنی تحت فشار قراردادن کُردها، نزدیک‌تر کند یا دست‌کم آمریکا را نگران شرایط کردهایی کند که به‌عنوان مهم‌ترین شریک زمینی آمریکا در جنگ علیه داعش به‌شمار می‌رفتند.

رویداد

ابوبکر بغدادی در محاصره نیروهای آمریکایی

● روزنامه العربی الجدید فاش کرد که نیروهای ویژه آمریکایی از خاک اقلیم کردستان عراق برای بازداشت ابوبکر بغدادی به سوریه رفته و درحال‌حاضر ابوبکر البغدادی، رهبر گروه داعش، در محاصره این نیروها در دیرالزور سوریه قرار دارد.

انفجار بمب در کلیسایی در فیلیپین

● صبح یکشنبه انفجار بمب در کلیسای کاتولیک بانوی ماونت کارمل در جولو در منطقه میندانائوی فیلیپین دست‌کم ۲۷ نفر را کشت و ده‌ها نفر را مجروح کرد. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این حمله را برعهده نگرفته است، باوجوداین رودریگو دوترته، رئیس‌جمهوری فیلیپین، این بمب‌گذاری‌ها را «اقدامی تروریستی» خواند.

مخالفت آمریکایی‌ها با استیضاح ترامپ

● یک نظرسنجی جدید نشان داد که اکثریت آمریکایی‌ها خواهان آن هستند که دموکرات‌ها درباره دارایی شخصی و ارتباطات خارجی دونالد ترامپ تحقیقات انجام دهند، اما درعین‌حال اکثر آنها نیز اعتقاد دارند که کنگره آمریکا نباید فرایند استیضاح علیه ترامپ را آغاز کند. همچنین روزنامه نیویورک‌تایمز نوشت که ترامپ و نزدیکانش در رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ و نیز در بازه زمانی پس از پیروزی در انتخابات تا مراسم تحلیف، بیش از صد مورد تماس با چهره‌های سیاسی و تجار روسیه داشته‌اند.

تکذیب توافق با واشنگتن توسط طالبان

● ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، در پیامی در صفحه توییتر خود توافق با آمریکا برای خروج نیروهای این کشور در مدت ۱۸ ماه را تکذیب کرد. این گروه همچنین در بیانیه‌ای اعلام کرد که موضوعات سنگین و پیچیده‌ای در شش روز مذاکرات با نمایندگان آمریکا مورد بحث قرار گرفت و نیاز است که روی این مسائل بحث بیشتری صورت بگیرد.

آمریکا خواهان پایان بحران افغانستان نیست

اردشیر زارعی‌قنواتی: اوضاع در افغانستان روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود و این دقیقا در شرایطی اتفاق می‌افتد که معمولا در فصل زمستان از دامنه خشونت‌ها کاسته می‌شود و از طرف دیگر سناریوی صلح بین هیئت‌های نمایندگی طالبان با هیئت آمریکایی به ریاست «زلمی خلیل‌زاد» فرستاده ویژه واشنگتن در امور افغانستان، چندین بار برگزار شده است. از آنجا که این سناریوی به اصطلاح صلح هیچ ارتباط واقعی با پایان‌بخشیدن به بحران افغانستان نداشته و بیشتر در چارچوب «انحصار بازی» و مدیریت بحران برای تنظیم مناسبات تازه بین «اضلاع فاجعه» جهت تقسیم سهم کیک قدرت انجام می‌شود، بیشتر هیاهو برای هیچ است. بحران افغانستان اصولا بیش از آنچه یک بحران ملی باشد، بحرانی منطقه‌ای و بین‌المللی است که از ۴۰ سال پیش در چارچوب جنگ سرد، سرنگونی دولت ملی و دموکراتیک دکتر «نجیب‌الله» با کمک امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه‌ای و بعد با حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا توسط گروه «القاعده» که متحد حکومت «طالبان» بوده و با اشغال این سرزمین توسط آمریکا و ائتلاف متحد آن انجام شد، روزبه‌روز بر وخامت اوضاع و گسترش خشونت‌های آن افزوده شد.

حملات انتحاری طالبان در روز دوشنبه ۲۱ ژانویه به یک مرکز امنیت ملی در مرکز ولایت میدان وردک این کشور که به گفته منابع معتبر نظامی و محلی بین ۱۰۰ تا ۱۲۶ نظامی و کماندوهای نیروهای ویژه را کشت، درست در همان روزی انجام شده که نمایندگان طالبان در دوحه قطر با خلیل‌زاد در حال مذاکره بودند. ارتباط این حمله خونین با مذاکراتی که در دوحه جریان دارد، رابطه معناداری دارد که نشان می‌دهد امروز طالبان از موضع قدرت با طرف آمریکایی برای تقسیم کیک قدرت در مناسبات آینده افغانستان در حال چانه‌زنی است. این مذاکرات به همین دلیل که به صورت انحصاری برگزار می‌شود، اگر بنیان بحران افغانستان بازیگران داخلی و خارجی دیگری از جمله تمام همسایگان این کشور را شامل می‌شود و آنان از جریان مذاکرات دور نگه داشته شده‌اند، از اساس برای خاتمه بحران و تحقق صلح تنظیم نشده است.

در حالی که به موازات این مذاکرات از طرف دیگر بازیگران منطقه‌ای و ذی‌نفع در موضوع بحران افغانستان به طرفیت چین و روسیه و با همکاری همه ۱۲ کشور منطقه و عموما همسایه این کشور چند دور مذاکره در روسیه، چین و افغانستان انجام شده و در گام‌های اول هم تا حدودی اجماع نظر آنان حول یک پلتفرم عدم مداخله و استفاده از نفوذ این کشورها برای عدم کمک و همدستی در چرخه خشونت توافقاتی حاصل شد. بدون هیچ تردیدی آمریکا با بیش از ۱۰ هزار کیلومتر فاصله از میدان جنگ افغانستان در چهار دهه گذشته هرگز تابع حفظ ثبات این کشور نبوده و منطقه خود را درگیر بحران افغانستان نکرده است که حتی به زعم مقامات واشنگتن تاکنون صدها میلیارد دلار هزینه یک جنگ پایان‌ناپذیر شده است. مقامات واشنگتن با تجربه ۴۰ساله و به‌خصوص تجربه عینی ۱۸ سال اشغال این سرزمین به خوبی می‌دانند که نه دولت دست‌نشانده کابل در مشارکت تکنوکرات‌های فاسد و جهادگرایان قوم‌گرا و نه اپوزیسیون مسلح بنیادگرای طالبان هیچ کدام به صورت مستقل قدرت تفاهم و حتی پیروزی بر دیگری را ندارند. به همین دلیل صلح واقعی با توجه به محیط میدان نبرد و پراکندگی قومی فعلا در این «سرزمین بدون امید» و مهم‌تر از همه دخالت محیط پیرامونی برای کسب منافع یا حداقل تأثیرگذاری بر تحولات آتی منطقه، تنها با مشارکت جمعی همه بازیگران داخلی و منطقه‌ای امکان‌پذیر خواهد بود.

در آن سوی قضیه موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری نیز در ماه‌های آینده داغ خواهد شد که از هم‌اکنون تمام نیروها و لابی‌های موجود در ساختار فاسد قدرت قرار است دوباره در این نمایش شرکت داشته باشند.

این در حالی است که هنوز موضوع انتخابات پارلمانی این کشور بعد از سه ماه از زمان برگزاری به هیچ سرانجامی نرسیده و اختلاف بین کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات چنان جنجال‌آمیز است که اصولا ماهیت انتخابات در این کشور را کاملا مخدوش کرده است. در چنین شرایطی کشتار نظامیان در روز دوشنبه توسط طالبان که هیئت‌های رسمی آن به صورت مرتب با نماینده ویژه آمریکایی در حال مذاکره است، به همان معمایی برمی‌گردد که خواسته یا ناخواسته از زبان زلمی خلیل‌زاد بیان شده است. او در مقابل سرسختی طالبان در هفته گذشته در کابل اعلام کرده «اگر طالبان به جای صلح، جنگ را انتخاب کنند، آمریکا در کنار حکومت افغانستان علیه آنها خواهد جنگید» که محتوای روشن این پیام این خواهد بود که گویا در ۱۸ سال گذشته آمریکا کاملا در جنگ علیه طالبان نبوده است. وقتی تمام قطعات این پازل در کنار هم قرار داده شود، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ صلحی در مذاکرات دوجانبه بین خلیل‌زاد و هیئت طالبان تحقق پیدا نمی‌کند و تنها مذاکرات حول تنظیم مناسبات جهت مدیریت بحران و تغییر در سهم‌بندی کیک قدرت است. در چنین شرایطی که طرف آمریکایی با عدم مشارکت و بایکوت پروسه صلح منطقه‌ای با محوریت چین و روسیه، همچنان اصرار در انحصاری‌کردن هرگونه پروژه و سناریوی به اصطلاح صلح جهت مدیریت تحولات آتی افغانستان را دارد، باید همچنان در انتظار فجایع بزرگ و خشونت‌های بیشتر بود.